

بررسی مسیر تجاری شرق به غرب، بر اساس قصه مهر و ماه

دکتر عبدالرسول خیراندیش*

دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز

آمنه ابراهیمی

دانشجوی دکتری تاریخ (ایران بعد از اسلام) دانشگاه شیراز

(از ص ۸۳ تا ۹۴)

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۹/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۴/۱۱

چکیده

پس از رونق نگارش کتاب‌های جغرافیایی در سده‌های نخستین اسلامی، شاهد یک دوره رکود شگفت‌انگیز در این زمینه، در عصر صفویان هستیم. هرچند این رکود، از یک قرن قبل از صفویه آغاز می‌شود و تا یک قرن بعد از آنان هم ادامه می‌یابد؛ اما این شگفتی از آن رو بیشتر می‌شود که در همان دوران، اکتشافات جغرافیایی اروپاییان در جریان بود و دانش جغرافیا، تحولات مهمی را از سر می‌گذراند. در فقدان منابعی که بتوان دانش جغرافیایی ایرانیان آن دوره را بر اساس آن‌ها ارزیابی کرد، یک افسانه قدیمی موسوم به «مهر و ماه»، که در اوایل عصر صفوی بازسازی شده، به گونه‌ای قابل توجه دربردارنده درکی مشخص و منظم از جغرافیای عالم است. این افسانه، هر چند جنبه‌های عاشقانه، عارفانه، رمزی و عیاری دارد؛ اما از خلال آن، ترتیبی مشخص از جغرافیای شرق تا غرب دنیای قدیم را می‌توان مشاهده کرد؛ درحالی‌که هنوز خبری از کشف یک قاره جدید در آن دیده نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: جغرافیا، تجارت، صفویه، قصه مهر و ماه.

مقدمه

مباحث جهان‌شناسی در متون جغرافیایی کهن را به سختی می‌توان با دانش جغرافیایی جدید که از اوایل قرن شانزدهم میلادی، برابر با قرن دهم هجری، پیدایش و گسترش یافته است انطباق داد. برای فرهنگ و تمدن ایرانی، از جمله آخرین متونی که در زمینه جغرافیایی جهان می‌توان سراغ گرفت، کتابی است به نام «هفت کشور» که در قرن هشتم هجری، برابر با قرن چهاردهم میلادی تألیف شده است.^(۱) اثر پرآوازه دیگر این دوره، «نزهةالقلوب»، نوشته حمدالله مستوفی قزوینی است که هر چند مباحثی از جهان‌شناسی را دربردارد؛ اما در اصل درباره ایران زمین دانسته می‌شود.^(۲) از آن پس متن‌های جغرافیایی، یا فراهم نیامده یا به دست ما نرسیده است. جغرافیای حافظ ابرو را در این میانه، نمی‌توان در شمار آورد؛ زیرا بیشتر، جغرافیای نواحی داخلی ایران است که در جایی دور از دریاها (خراسان) تألیف شده است.^(۳) حتی با فاصله حدود دو قرن، کتاب جغرافیایی مختصر و مفید نوشته محمد مفید مستوفی، دربردارنده مباحثی مجمل و ناکافی است.^(۴) گویا در عصر صفوی، نسخه‌نویسی‌های مکرر از کتاب نزهةالقلوب، برای داشتن دانش جغرافیا کفایت می‌کرده است؛ زیرا بنا به گزارش منزوی، هم‌اکنون در فهرست نسخه‌های خطی، شمار فراوانی از نسخ خطی این کتاب وجود دارد که به دوره صفوی مربوط می‌شود.^(۵) تنها در اواسط دوره صفویه، کتاب هفت اقلیم، نوشته امین احمد رازی، دریچه‌ای به مباحث جهان‌شناسی می‌گشاید؛ اما با کمال شگفتی، این کتاب گشاینده همان دریچه کهن نگاه به جهان، از منظر هفت اقلیم است که از عهد باستان به ارث رسیده بود. غرض اصلی او از تألیف این کتاب نیز، برشمردن شعرا و نویسندگان هر اقلیمی است که بدون شک، آن را متأثر از ستارگان می‌دانسته است.^(۶)

بنیان‌های تجاری ساخت جغرافیایی داستان

نام شخصیت‌های داستان مهر و ماه، با اسامی سیارات و ستارگان منظومه شمسی انطباق دارد و اندیشه‌ای قدمایی را باز می‌تاباند. همچنان که مهر، بنا به نوشته بیرونی، مظهر رجولیت و گرمی (بیرونی، ۱۳۶۲: ص ۳۶۷) و ماه، مظهر مؤنث و سردی (همان، ص ۳۶۸) و عطارد، دبیر فلک (همان، ص ۳۸۷) و زهره، مظهر عشق و جمال است (همان، ص ۳۸۴)، مشتری نیز در میان کواکب، همان مرکور یا رب‌النوع تجارت است. در دانش جغرافیایی قدیم، اقلیم دوم به مشتری تعلق داشت (امین احمد رازی، ۱۳۴۰: ج ۱، ص

۳۱). برای دریانوردان دریای هند که از چین تا هند و زنگبار، به تجارت می‌پرداختند، نواحی جنوب خط استوا که به مشتری تعلق داشت، دربردارنده منافع تجاری بسیار بود. از این روست که در داستان مهر و ماه که بخش مهمی از آن در دریاهای جنوبی قاره آسیا روی می‌دهد، مشتری در چهره یک بازرگان، هم راهنمای راه است و هم خبررسان از اخبار مغرب به اهل مشرق.

نکته جالب توجه آن است که در داستان مهر و ماه، حضور مشتری تاجر که بازگوکننده تجاری است که از دریای چین تا دریای مدیترانه رفت و آمد می‌کرده‌اند، همراه با همکاری ارمیای نبی، از انبیای بنی اسرائیل با آن‌هاست (قصه مهر و ماه، همان: ص ۴۰). هر چند این داستان، با ذکر زیارت مکه و دیگر عناصر فرهنگ اسلامی، به‌طور مشخص از مسلمانی قهرمانان داستان خبر می‌دهد؛ اما حضور مؤثر ارمیای نبی و به کارگیری دعایی خاص از او، نشان می‌دهد که نقش تجارتی یهود را در اتصال دو نقطه بسیار دور از هم؛ یعنی چین تا فرنگ، باید مورد نظر قرار داد. منابع جغرافیای تاریخی دوره تمدن اسلامی، در این مورد اخبار فراوانی دارند^(۷). پس از دوره صفویه، تجار ارمنی نیز در دریای هند فعال شدند^(۸). تجارت میان کشورهای جنوبی قاره آسیا در حد فاصل چین، هند، سیلان، ایران، یمن و نواحی حد فاصل آن‌ها، در دوره قبل از استعمار اروپایی رونق تمام داشت. حلقه پایانی این تجارت، به مدیترانه می‌رسید و بدین ترتیب، با واسطه‌های متعدد، کالاهای مشرق‌زمین به اروپا می‌رفت؛ اما به قیمتی گران. همین گرانی قیمت بود که اروپاییان را به فکر تجارت مستقیم با سواحل جنوبی آسیا، از جمله هندوستان انداخت و در ابتدای قرن شانزدهم میلادی؛ یعنی در زمان بازنویسی متن کهن قصه مهر و ماه، آنان را بدین سامان کشاند. بر این امر، لازم است رونق تجارت شرق با غرب را افزود که موجب دسترسی بیشتر اروپاییان به کالاهای مشرق‌زمین شده و خواستاران فراوان شهری را موجب شده بود. همچنین، نباید از نظر دور داشت که تهاجمات مغولان از قرن سیزدهم و سپس مخاصمات آن‌ها با یکدیگر، در سراسر قلمروی که در آسیا یافته بودند، مسیر زمینی چند صد ساله جاده ابریشم برای تجارت با چین تا هند و ایران و اروپا را به سمت سواحل جنوبی آسیا در اقیانوس هند متمایل ساخته بود. رونق ثروت و تجارت در این مسیر تجاری، همان مسیری است که در داستان مهر و ماه، مشتری بازرگان در مقام راهنما و مشاور مهر، شاهزاده مشرق‌زمین را در عزیمت به سوی غرب همراهی کرده است.

بستر جغرافیایی سیر داستان

سیر جغرافیایی داستانی که در آن مهر، شاهزاده شرق به همراه مشتری، به سمت غرب می‌پیماید، از خاور زمین آغاز می‌شود. این خاور زمین، اشاره به یک سمت جغرافیایی؛ یعنی شرق و منتهای آن دارد. از آن جا که مهر با اقامت در ساحل دریای چین، مسافرت خود را به سمت غرب برای رسیدن به ماه آغاز می‌کند. چین را می‌توان هم مبدأ حرکت مهر و هم آغازگاه انتقال کالاهای تجاری در نظر آورد. از طریق دریای چین، مهر و مشتری و همراهان، به جزایر متعددی وارد می‌شوند که هم عجایب بسیار و هم ثروت فراوان دارد. شرح خصوصیات این جزایر، انطباق بسیاری با گزارش‌های موجود در گرشاسب‌نامه اسدی طوسی دارد (اسدی طوسی، ۱۳۱۷: ص ۱۵۰)؛ گزارش‌هایی که در بسیاری از متون حماسی و منابع جغرافیای تاریخی دیگر هم دیده می‌شود. بدین ترتیب، مهر و مشتری و همراهان، به جزیره سرانندیب (سیلان) می‌رسند. در آن جا نیز ثروت برای تجارت و شگفتی برای سیاحت فراوان بود. از این پس، ارمیای نبی نیز آن‌ها را همراهی می‌کند. در ادامه، آنان به بندر هرمز می‌رسند. در کتاب مهر و ماه، این نخستین و تنها جایی است که با نام بندر، در این سفر دریایی از آن یاد می‌شود و نشانگر اهمیت تجاری آن در قرن نهم هجری است.

نام مکان جغرافیایی دیگری که در قصه مهر و ماه آمده، جزیره دوال‌پایان است. محقق پر آوازه، دکتر جلال ستاری، در کتاب «پژوهشی در حکایات سندباد بحری»، توضیحی در مورد جزیره دوال‌پایان دارد که انطباق روایت‌های کتاب مهر و ماه، با واقعیت بیرونی جغرافیایی را بیشتر نشان می‌دهد. دکتر جلال ستاری که گمانه‌زنی‌های بارون والکنر، دانشمند جغرافی‌شناس را چندان علمی و فارغ از خیال نمی‌داند، از وی نقل می‌کند که: «جزیره محل سکونت دوال‌پا، بخشی از کرانه مالابار است، چون این بطوطه نقل می‌کند که در آن جا اسب نبود و مردم، بارها را به دوش گرفته، می‌بردند و مزد می‌گرفتند»^(۹) (ستاری، ۱۳۸۲: ص ۳۶).

از آن جا که هرمز، سده‌های میانه با هندوستان و چین، مراودات تجاری داشت و از دو طریق خشکی و دریا، تجارت خود را به سوی غرب، یکی از داخل ایران و دیگری از راه دریاهای خلیج فارس و دریای سرخ ادامه می‌داد، روابط تجاری و فرهنگی قابل توجهی میان این بندر با کرمان، از سمت داخل ایران شکل گرفته بود. همین روابط، به بازآفرینی قصه مهر و ماه در شهر کرمان کمک کرده است؛ از این روست که نسخه

خطی داستان مهر و ماه، در کرمان کتابت شده است. سیر داستان، از بندر هرمز در جنوب ایران، از این پس مسیری دوگانه می‌یابد. قهرمان اصلی داستان که مهر است، به یمن می‌رود و ماجراهایی از سر می‌گذراند که بی‌شبهت به سرنوشت داراب، در داراب نامه طرسوسی نیست^(۱۰). از این جا به بعد، قهرمان داستان در مسیر تجاری معروف یمن به شام، از مکه عبور می‌کند تا از طریق بیت‌المقدس به مصر برود (قصه مهر و ماه، همان: ص ۷۶).

اما یک رشته فرعی از داستان، از خلیج فارس به مداین وارد می‌شود و در آن جا، جمعی از همراهان جدا افتاده مهر، به همراه کاروانی تجاری، از مداین به سمت مصر حرکت می‌کنند تا سرانجام، در مصر و مغرب به هم برسند. مسیر خلیج فارس، بین‌النهرین و شام، از یک سو و از سوی دیگر، مسیر ساحل دریای سرخ تا شام و مصر یک مسیر شناخته شده قدیمی، برای جاده ادویه به شمار می‌آید.

اما در اینجا کتاب مهر و ماه، یک تفاوت اساسی با داراب‌نامه طرسوسی می‌یابد و آن این است که داراب‌نامه طرسوسی، از دریای عمان به یونان می‌رسد که چگونگی آن، به جهت ارتباطات جغرافیایی برای ما مبهم است (داراب‌نامه، ۱۳۸۹: ص ۱۰۶)؛ اما داستان مهر و ماه، به گونه‌ای صحیح و مشخص، از یمن و بین‌النهرین، قهرمان داستان را به شام، مکه و بیت‌المقدس و سپس، مصر می‌برد. از مصر نیز سیر داستان، به سمت بیابان و سپس، مغرب ادامه می‌یابد. از مغرب نیز تکاپوی مهر، قهرمان اصلی داستان او را به فرنگ می‌کشاند. پر واضح است که بدین ترتیب داستان مهر و ماه، از مصر از طریق صحرای افریقا به مغرب (مراکش) رسیده و سپس با گذر از دریا، به فرنگ؛ یعنی جایی در غرب اروپا منتهی شده است.

این سیر منظم جغرافیایی که به دور از هرگونه لغزشی در ارایه موقعیت مکان‌هاست، نه تنها در هیچ افسانه‌ای دیده نشده است؛ بلکه حتی در بسیاری از کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی قدیم هم کمتر دیده می‌شود^(۱۱). از این روست که کتاب مهر و ماه، به طرز عجیب در میان متون داستانی کهن ایرانی، بازگوکننده یک درک جغرافیایی صحیح به شمار می‌آید. از آن جا که در دوره صفوی، چنان که گفته شد، با فقدان منابع جغرافیایی روبرو هستیم، انعکاس این دانش جغرافیایی در مهر و ماه را باید مهم دانست. اهمیت این امر را می‌توان با دو استنتاج زود هنگام همراه ساخت: اول آن که این دانش جغرافیایی که از شرق تا غرب دنیای کهن (بر قدیم) را دربرمی‌گیرد، هم محدوده

جغرافیایی جهان را مطابق یک دانش کهن مشخص می‌سازد، هم این که این دانش جغرافیایی منشأ شرقی دارد. هنوز دانش نوین جغرافیایی غربی به ایران نرسیده بود؛ بنابراین به استناد قصه مهر و ماه، می‌توان حداقل برای همسایگان دریایی هند و از جمله هرمز، قایل به درک جغرافیایی مهمی در دهه‌های منتهی به اکتشافات جغرافیایی اروپاییان و مستقل از آن‌ها بود. دوم آن که این دانش جغرافیایی، در هرمز که یک دولت دریانورد تجارت دریایی، در حد فاصل چین تا مصر بوده و تا حدود کرمان هم امکان نشر و اقتباس را داشته است. در نواحی شمالی‌تر از آن، دولت تازه‌تأسیس صفویان، بی‌اعتنا به دانش جغرافیایی جدید، درگیر منازعات زمینی با همسایگان عثمانی و ازبک خود بود. در نتیجه، شاهد هیچ نشانه‌ای از باور به موقعیت‌های داستان مهر و ماه در جامعه ایرانی، برای ده‌ها سال بعد نیستیم؛ حتی شرایط تاریخی مندرج در داستان مهر و ماه که با سیر جغرافیایی آن انطباق دارد نیز، همین موقعیت‌ها را تأیید می‌کند.

شرایط تاریخی همزمان با داستان مهر و ماه

نسخه موجود داستان مهر و ماه، حاصل بازآفرینی آن در سال ۹۱۲ ق. است و با فرهنگ مردم کرمان پیوند دارد. گرچه طرح اصلی این داستان، از منظومه مهر و ماه جمالی دهلوی (سروده شده در ۹۰۵ ه.ق.) اقتباس شده است؛ اما بنیان جغرافیایی آن با شباهت اندکی از منظومه جمالی دهلوی، متمایز و متفاوت است. در داستان بازسازی شده، مهر پسر خاورشاه است و ماه، دختر هلال مغربی؛ اما در اثر جمالی دهلوی، مهر دختر بهرام شاه، از پایتختی به نام میناست در مغرب‌زمین و ماه، پسر شاه بدخشان است در شرق. از همین‌رو، تنها مورد نظر قرار دادن سرزمین‌های شرق و غرب، شباهتی را نشان می‌دهد. دهلوی، با وجود آن که خود اهل سفر بوده، در این منظومه مسیر رسیدن ماه به مهر را با تخیلی داستانی ترسیم نموده است و بنابراین، مسیری که او از آن سخن می‌گوید، از نظم جغرافیای تجاری زمانه برخوردار نیست؛ کوه قاف، روم و طربلوس، از جمله نقاط مسیر این منظومه‌اند (دهلوی، ۱۳۵۳: ص ۱۰۴).

همچنان‌که در شناسایی سیر جغرافیایی داستان مورد نظر این تحقیق، بندر هرمز واجد اهمیت فراوان است، از نظر شناخت شرایط تاریخی انعکاس یافته در آن نیز، دولت ملوک هرمز نقش مهمی دارد. در همان حال، لازم است توجه داشت که هرچند داستان مهر و ماه، گستره جغرافیایی حداقل چین تا فرنگ را دربرمی‌گیرد؛ اما زبان آن فارسی

است و عناصر خاص فرهنگ داستانی کهن ایرانی، چون دیو و پری و نیز اشعار عاشقانه شعرای پارسی‌گوی بزرگ، مانند سعدی، حافظ و نظامی، در آن کاربرد بسیار دارد؛ اما در مورد ملوک هرمز که در منابع قدیم، آن را به صورت هرموز (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ص ... و ۲۱۵ و ۲۰۲ و ۱۵۸) می‌نویسند؛ لازم به ذکر است که این دولت، در نیمه اول قرن هفتم به وجود آمد و خیلی سریع، تجارت دریایی میان ایران، چین و هند را به خود اختصاص داد (وصاف، ۱۲۶۹هـ: ص ۲۹۶). این رونق و قدرت تجاری، در تمام قرون هشتم و نهم نیز ادامه داشت و از سراسر جهان شناخته شده آن روز، بازرگانان و جهانگردان متوجه هرمز شدند؛ چنانکه ابن بطوطه در قرن هشتم، نکات جالب توجهی از مشاهدات خود در مورد آن بندر را نوشته است (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ص ۲۷۱ - ۲۶۸). دولت هرمز در طول چند قرن حیات خود، تحولات بسیاری را از سر گذراند. مرکز این دولت، مدت‌ها در بندر هرمز بود که تقریباً در محل میناب کنونی بوده است. در این حالت، آن را هرمز قدیم یا بندر هرمز می‌خوانند؛ چنان که در کتاب مهر و ماه نیز، بندر هرمز دیده می‌شود (قصه مهر و ماه، همان: ص ۸۰)؛ اما بعدها مقر دولت هرمز، به جزیره جرون منتقل شد که به آن هرمز جدید و سرانجام، جزیره هرمز گفتند (وثوقی، ۱۳۸۰: ص ۲۴۵). در این حالت، عنوان بندر هرمز به بارانداز ساحلی آن که تقریباً با بندرعباس کنونی منطبق است، گفته می‌شد.

دولت هرمز، از آغاز قرن دهم هجری قمری، برابر با شانزدهم میلادی، زیر سلطه استعمارگران پرتغالی رفت. در منابع ایران عصر صفوی که معاصر با این واقعه به نگارش درآمده‌اند، از استعمارگران پرتغالی، با نام فرنگیه پرتکالیه یاد شده است (روملو، ۱۳۴۹: ص ۹۶۰). در قصه مهر و ماه، از فرنگ و پادشاه آن که ابر فرنگی نام دارد و پسرش سحاب و وزیرش ثریا، به بدی یاد می‌شود. شاید در همان حال، از پریان دوردست‌های غرب به خوبی یاد می‌کند (قصه مهر و ماه، همان: ص ۹۰). ذکر نیکوی پریان مغرب، به واسطه دوستی آن‌ها با پریان سرانندیب (سیلان) است؛ اما دشمنی با پادشاه فرنگ در داستان مهر و ماه را شاید بتوان به آغاز تهاجمات نظامی پرخسارت و همراه با سلطه استعمارگران پرتغالی، به دولت هرمز در آغاز قرن دهم هجری مربوط دانست. همچنین، می‌دانیم که در همان سال‌ها، مسلمانان مغرب با مسیحیان اندلس، که از جمله آن‌ها اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها بودند، آخرین نبردهای خود را انجام می‌دادند؛ نبردهایی که منجر به شکست و اخراج مسلمانان از اندلس، در سال ۱۴۹۲ م. شد و متعاقب آن،

نیروهای اسپانیایی و پرتغالی قدم به مغرب اسلامی نیز گذاشتند. آن‌ها در این مرحله، با شکست مواجه شدند. در داستان مهر و ماه نیز، به همین ترتیب لشکرکشی پادشاه فرنگ به کشور مغرب، به شکست انجامید (همان: ص ۱۱۱).

به‌مانند تحولات تاریخی سرزمین دوردست مغرب، شرایط تاریخی مشرق جهان نیز در داستان مهر و ماه انعکاس یافته است. از قرن هشتم هجری، سلسله مغولی چین، موسوم به یوان (Yuan)، جای خود را به سلسله ملی مینگ (Ming) داد. این دولت، علاوه بر متحد و مقتدر ساختن چین، تجارت دریایی آن را نیز احیاء کرد. از این رهگذر، روابط تجاری با حوزه اقیانوس هند و خلیج فارس هم رونق گرفت. در این تحولات، دولت هرمز نیز توانست بر رونق تجاری خود بیفزاید. در داستان مهر و ماه، از شاه چین با نام خاورشاه یاد شده است که کشوری آباد و پر رونق دارد و با یک پری که احتمالاً از سران‌دیب (سیلان) بوده است ازدواج می‌کند و مهر، قهرمان اصلی داستان، از او متولد می‌شود (همان: ص ۲۳). در تجارت میان هرمز و چین، سیلان نقش واسطه‌ای بسیار مهمی داشت. در منابع ایرانی قرن هشتم، برای دستیابی به اطلاعاتی در این باره، باید به روابط دریایی فارس با دولت معبر مراجعه کرد. معبر، گذرگاه دریایی میان سیلان و خاک اصلی هندوستان است. در این جا، دولتی وجود داشت که بدان دولت معبر می‌گفتند و روابط بازرگانی قابل توجهی با هرمز، به عنوان بندر اصلی تجاری فارس و کرمان قرون هفتم تا دهم هجری داشت. در تاریخ وصاف (وصاف، همان: ص ۳۰۰) و تاریخ الجایتو (قاشانی، ۱۳۴۸: ص ۱۵۸ تا ۱۵۶)، مطالب جالب توجهی در این باره وجود دارد.

همچنان که اشارات تاریخی داستان‌گونه کتاب مهر و ماه درباره سمت شرق، با شرایط تاریخی قرن نهم و دهم؛ یعنی زمان بازسازی داستان انطباق دارد، در سمت غرب نیز به همین‌گونه است. مهر، قهرمان داستان، از هرمز به یمن می‌رود و از آن جا به مکه و فلسطین و سرانجام، به مصر می‌رسد. آن هنگام (۹۱۲ هـ.ق)، مصر و شام در تصرف دولت مملوکان بود. این دولت، حجاز (مکه و مدینه) و یمن را هم در دست داشت. تا ده سال بعد بود که دولت عثمانی، همه این نواحی را تصرف کرد؛ یعنی پس از جنگ چالدران (۹۲۰ هـ.ق)؛ پس از تصرف مصر در سال ۹۲۲ هـ.ق. این، زمان پایان دولت مملوکان مصر بود. چنان که از نام این دولت بر می‌آید، فرمانروایان آن از میان بردگان برخاسته بودند. از سال ۶۴۷ هـ.ق، که این دولت به‌جای ایوبیان به قدرت رسید، غلامان ترک و چرکس را به خدمت می‌گرفت که همان‌ها هم به سلطنت می‌رسیدند. در

داستان مهر و ماه نیز، به‌طور دقیق و همراه با تأکید، به این که رسم سلطنت در مصر، به تخت نشستن بردگان است، اشاره می‌شود (قصه مهر و ماه، همان: ص ۱۴۷). مهر، قهرمان داستان نیز، در آستانه ورود به مصر، به بردگی افتاد و در آن جا فروخته شد؛ اگر چه در این جا، یک کهن‌الگوی (Archtyper) سامی، مانند داستان یوسف، در داستان نقش مهمی دارد؛ اما از نظر شرایط تاریخی، با مصر عصر مملوکان؛ یعنی زمان بازسازی داستان مهر و ماه، انطباق کاملی را نشان می‌دهد.

نتیجه

قصه مهر و ماه، اگر چه به مانند بسیاری از افسانه‌های کهن ایرانی، در بردارنده مطالب و نمادهای خیالی است و بن‌مایه آن را مسایل عاشقانه و پهلوانی و جنگ با دیوها و جادوگران شکل می‌دهد؛ اما به‌گونه‌ای جالب توجه، در بردارنده دانش جغرافیایی دولت ایرانی ملوک هرمز است که به تجارت از چین تا مصر، در قرون هفتم تا دهم اشتغال داشت. در همان حال و در قالب داستان، شرایط تاریخی پایان قرن نهم هجری، در آن بازسازی شده و در آن، میراث ادبی - تاریخی قرون هفتم و هشتم نیز، به داستان وارد شده است؛ همچنین اوضاع چین، هند، یمن، مصر، شام و سرانجام، مغرب اسلامی و اندلس که در این زمان، جزو فرنگ شده بود. انعکاس چنین دانش جغرافیایی همراه با نظم و ترتیب و نیز ذکر شرایط تاریخی، همراه با دقت و صحت، هم جالب توجه است و هم امکان ارزیابی بهتری از مسایل جغرافیایی تاریخی آن دوران را به دست می‌دهد؛ دورانی که از یک سو، اکتشافات جغرافیایی در جهان جریان داشت و از سوی دیگر، غفلت از جغرافیا در ایران مشاهده می‌شود.

پی‌نوشت

- ۱- این کتاب، گویا در اصل متعلق به ابوزید بلخی و همان صورالاقالیم، باید باشد. مصصح کتاب، دکتر ستوده، در مقدمه توضیحات لازم را در خصوص مسایل کتابشناسی آن عرضه کرده است. ر.ک. مؤلف ناشناس، هفت کشور، به کوشش غلامحسین ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۳، ص ۵ به بعد، ذکر زمین و مساحت آن.
- ۲- با وجود آن که نزهةالقلوب، مسایل گوناگونی از جهان‌شناسی و طبیعت‌شناسی و... را در بر می‌گیرد؛ اما آنچه اکنون در اختیار همگان است، تصحیح مبحث مربوط به «ایران زمین»؛ یعنی مقاله سوم است که لسترنج چاپ کرده است. ر.ک. حمدالله مستوفی قزوینی، نزهةالقلوب، تصحیح لسترنج، انتشارات دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۲.
- ۳- اثر ارزشمند حافظ‌ابرو، هر چند با عنوان جغرافیای حافظ‌ابرو، در دسترس ماست؛ اما همان اندازه که جغرافیایی است، در بردارنده مباحث تاریخی است. در ایران، این کتاب با مشخصات زیر به چاپ رسیده است: حافظ‌ابرو،

جغرافیای حافظ‌ابرو، به کوشش صادق سجادی و سیدعلی آل داوود، نشر میراث مکتوب، تهران، سال ۱۳۷۵ و مجلدات دیگر.

۴- چنانکه از نام کتاب بر می‌آید، مختصر و مفید و به واقع، مختصر است؛ چنانکه گاه حتی به فهرست کردن نام مکان‌های جغرافیایی بسنده می‌کند. ر.ک. محمد مفید مستوفی، مختصر و مفید، محمدرضا ابویی مهریزی، انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، ۱۳۹۰

۵- منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی، ج. ششم، انتشارات مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، تهران، ۱۳۴۸، ص ۳۹۸۷ و ۳۹۸۶

۶- رازی، امین احمد، هفت اقلیم، با تصحیح و تعلیق جواد فاضل، نشر علی اکبر علمی، تهران، ۱۳۴۰

۷- از جمله، داستان یک یهودی که به چین سفر کرده، در کتاب عجایب هند قابل توجه است. ر.ک. ناخدا شهریار بزرگ رامهرمزی، عجایب هند، تصحیح محمد ملک‌زاده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۸، ص ۸۵

۸- برای تجارت هند: نک:

Ives Edvard, a voyage from England to india, Edvard and Charles Dilly, London, 1773, p 190.

۹- به نقل از مقاله:

Nouvelles Ananales des voyage, Janvier, fevrier, mars 1832: Analyse géographique (des voyages de Sind-Bad le marin, par Baron Walcknaer.

۱۰- در داراب‌نامه طرسوسی، داراب، شاهزاده ایرانی، از ساحل جنوبی ایران، به عمان وارد و در این جا، گرفتار ماجراهای پهلوانی و عاشقانه می‌شود. شباهت‌هایی که میان سرگذشت مهر با داراب در این جا مشاهده می‌شود، گویای گرت‌برداری‌های کهن آن‌هاست. ر.ک. طرسوسی، ابوالقاسم، داراب‌نامه، تصحیح ذبیح الله صفا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۰۶ به بعد.

۱۱- برای داستان حسین کرد شبستری نیز، بعضی محققان همین دقت‌نظرهای جغرافیایی را متذکر شده‌اند. ر.ک. علیرضا ذکاوتی قراگزلو، قصه‌های عامیانه ایرانی، نشر سخن، تهران، ۱۳۸۷، ص ۶۱؛ اما باید توجه داشت که این داستان، مربوط به اواسط عصر صفوی، در محدوده جغرافیایی کمتری نسبت به داستان مهر و ماه، اتفاق می‌افتد که شامل ایران، هند و ترکستان است؛ اما داستان مهر و ماه، علاوه بر تقدم تاریخی، در گستره ای از شرق تا غرب جهان رخ می‌دهد.

منابع

الف) فارسی:

ابن بطوطه (۱۳۳۷). *سفرنامه*، ترجمه محمد علی موحد. تهران: نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

اسدی طوسی، ع. (۱۳۱۷). *گرشاسب‌نامه*، به کوشش حبیب یغمایی. تهران: بی‌جا.

بی‌نام (۱۳۸۸). *قصه مهر و ماه*، گردآورنده و مصحح محمد حسین اسلام پناه. تهران: نشر چشمه.

بیرونی، ا. م. (۱۳۶۲). *التفهیم لاوائل صناعة التنجیم*، با تجدید نظر و تعلیقات جلال الدین همایی.

تهران: انتشارات بابک.

جمالی دهلوی (۱۳۵۳). *مثنوی مهر و ماه*، مقدمه و تصحیح سیر حسام راشدی. راولپندی: انتشارات

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

رازی، ا. ا. (۱۳۴۰). *هفت اقلیم*، با تصحیح و تعلیق جواد فاضل. تهران: نشر علی اکبر علمی.

روملو، ح. ب. (۱۳۴۹). *احسن التواریخ*، به کوشش عبدالحسین نوائی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
ذکاوتی فراگزلو، ع. (۱۳۸۷). *قصه‌های عامیانه ایرانی*. تهران: نشر سخن.
ستاری، ج. (۱۳۸۲). *پژوهشی در حکایات سندباد بحری*. تهران: نشر مرکز.
شبانکاره‌ای، م. (۱۳۶۳). *مجمع الانساب*، به تصحیح میرهاشم محدث. تهران: انتشارات امیرکبیر.
قاشانی، ا. ع. (۱۳۴۸). *تاریخ الجایتو*، به اهتمام مهین همبلی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
مهراب (۱۳۷۶). *عجایب اقالیم سبعة الی نهاییه الاماره*، به کوشش حسین قره چانلو. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
وثوقی، م. ب. (۱۳۸۰). *تاریخ مهاجرت اقوام در خلیج فارس: ملوک هرموز. شیراز: دانشنامه فارس*.
وصاف الحضرة شیرازی (۱۲۶۹). *تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار*، معروف به *تاریخ وصاف*، به کوشش محمد مهدی اصفهانی. بمبئی: بی نا.

ب) غیر فارسی

Ives, E. (1773). *a voyage from England to India*. London: Edvard and Charles, Dilly.